

نوشته ها، مشاهدات، مقالات خود را برای ما به این آدرس بفرستید  
xyaban@gmail.com  
برای اشتراك روزانه با این آدرس الكترونيكي تماس بگيريد  
khyaboon@gmail.com



# خیابان

شماره ۸ شنبه ۶ تیر ۱۳۸۸

زنده باد حکومت مردم

زنده باد مقاومت مردمی در برابر کودتا

آزاد باد همه زندانیان سیاسی

نابود باد گاردهای کشتار

مرگ بر دیکتاتوری



## دستگیری های کور و مبارزه با چشمان باز

تحصن بزرگ در دانشگاه مشهد

سندیکای اتوبوسرانی بیانیه داد

## تمام سرکوب در برابر تمام مردم

سوله فلزی آن به خانمهای بازداشت شده تعلق گرفته است، گنجایش این دوسوله در حدود ۲۰۰ نفر است) نگهداری می شوند.

شاهدین عنوان می دارند همچون زمان طرح موسوم به ارتقای امنیت اجتماعی، بازداشت شدگان در این مکان در بدو ورود مورد ضرب و شتم قرار میگیرند، فضای اختصاصی به هر فرد کمتر از یک متر مربع است، تغذیه در هر روز شامل دو وعده جیره می شود و کماکان سیب زمینی بعنوان غذای اصلی در این مکان توزیع می شود.

بنا بر شناخت این مکان حاصله از تحقیقات میدانی پیشین و مدعیات شاهدان، نیروهای پلیس امنیت بصورت منظم و هر روزه تحت عنوان «جیره کتک» با یورش به اتاقها و یا به صف کردن بازداشت شدگان در محوطه محصور به سیم خاردار این مکان، اقدام به ضرب و شتم شهروندان زندانی می نمایند. در این مکان طی دو سال اخیر دست کم ۱۴ زندانی بر اثر خشونت بی حد و حصر نیروهای نظامی یا عدم رسیدگی پزشکی جان خود را از دست داده اند. هر چند مجموعه امکان تائید جان باختن فردی از سری بازداشت شدگان اخیر در این مکان را ندارد اما کماکان این موضوع بنابر شرایط و اهداف ساخت کمپ و مدیریت چند ساله آن محتمل است. همچنین گزارش شده است نیروهای امنیتی مستقر در این مکان به صورت گروهی به بازجویی و فیلمبرداری از شهروندان محبوس در این مکان می پردازند.

لازم به ذکر است این مکان در اختیار بخش پلیس امنیت نیروی انتظامی است و هیچگونه نظارتی بر کمپ وجود ندارد.

### در کمپ کهریزک چه می گذرد؟

فعالان حقوق بشر

صدها شهروند بازداشت شده اعتراضات اخیر شهر تهران در کمپ کهریزک به صورت روزمره تحت بدرفتاری و شکنجه قرار دارند.

کمپ غیرقانونی کهریزک واقع در شهرسنگ از توابع شهری استان تهران که حدود هشت سال قبل در عملیات موسوم به «جزیره» مربوط به پاکسازی منطقه خاک سفید تهران برای اولین بار مورد بهره برداری قرار گرفت با توسعه و ساخت و ساز به محلی برای نگهداری بازداشت شدگان طرح موسوم به امنیت اجتماعی تبدیل شد.

این کمپ غیرقانونی که روند ساخت و ساز آن به خصوص از دو سال پیش شدت گرفته است با شروع اعتراضات اجتماعی گسترده در تهران پس از اعلام نتایج انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری باری دیگر نقشی محوری اما پنهان یافته است.

صدها بازداشت شده درگیریهایی خیابانی روزهای اخیر تهران بنا به ارگان بازداشت کننده در اماکن مختلفی اعم از بندهای مختلف زندان اوین تا بازداشتگاههای بسیج محلات و اماکن دیگر توزیع شده اند. یکی از مهمترین اماکن که تعداد قابل توجهی از بازداشت شدگان را در خود جای داده کمپ غیرقانونی کهریزک است که به دلیل عدم شناخت رسانه ها و افکار عمومی از دیده بانی جامعه پنهان مانده است.

بنابر گزارشات دریافتی از تنی از زندانیان این کمپ که اخیرا به زندان قزل حصار منتقل شده اند. در محدوده یک سالن، ۸ اتاق، ۲ سالن قرنطینه، ۴ سوله فلزی، جمعیتی در حدود ۹۲۰ نفر که دو

حکومت از فشار اقتصادی برای جلوگیری از اعتصاب بهره می گیرد، مردم خواهان جامعه ای می شوند که اجبار اقتصادی برای زندگی کردن حذف شود. حکومت جلوی ابراز عقیده را می گیرد، آزادی ابراز عقیده به خواستی عمومی تبدیل می شود. حکومت تجمعات را ممنوع اعلام می کند، مردم خواهان سیستمی می شوند که در آن آزادی تجمع و اعتراض به رسمیت شناخته شده باشد. حکومت گلوی زنان جوان را به گلوله می بندد، صدای زنان جوان بلندتر و فراگیر تر برمی آید. حکومت نویسندگان را زندانی می کند، آزادی قلم خواستی همگانی تر می شود. حکومت ارتباطات میان مردم را قطع می کند، آزادی و سهل الوصولی شبکه های ارتباطی خواستی همگانی می شود. صاحبان کارخانه ها و مراکز تولیدی در برابر خواست اعتصاب می ایستند، کارگران خواستار کنترل کارگری بر مراکز صنعتی و تولیدی می شوند. حکومت مردم را به اتهام عضویت در احزاب و سازمان های سیاسی زندانی می کند، آزادی فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی خواستی گسترده تر می شود. حکومت ددمنشانه می کشد، حیات شرافتمندانه اهمیت می یابد.

دگرگونی آغاز شده است. در همین زمان فشرده. رویاهای جدیدی در ذهن جامعه شکل می گیرد. اندیشیدن به همه ی آنچه امکان ناپذیر می نمود به مشغله هرروزه ی همگان شده است. جسارت اندیشیدن و عمل ورزیدن همگانی شده است. برق چشمها را بنگرید. انقلاب را می بینید.

### مردم چه می خواهند؟

حکومت کودتایی که انتظار نداشت مردم چنین همبسته و شجاعانه در مقابل وی بایستند تمرکز خود را از دست داده است. حکومت پی در پی چنگ می زند و سعی می کند دوباره روی پایش بایستد. اما هر اقدام حکومت به ضد خود بدل می شود. در برهه انقلاب، هر اقدامی که نظام سلطه برای حفظ خود انجام می دهد، گورش را عمیق تر می کند.

حکومت رسانه های نیم بند موجود را می بندد، آزادی رسانه ها به خواستی عمومی تبدیل می شود. حکومت بازداشت شدگان را شکنجه می کند، غیرقانونی شدن شکنجه به خواستی عمومی تبدیل می شود. حکومت رأی مردم را لگدمال می کند و آشکارا از حق حاکمیت قلیلی از افراد بر جامعه دفاع می کند، حاکمیت مردم به خواستی عمومی تبدیل می شود. حکومت سپاه و بسیج را به کشتار و سرکوب مردم می فرستند، انحلال این نهادهای سرکوب به خواستی همگانی بدل می شود. حکومت مخالفان سیاسی را به زندان می اندازد، مردم خواستار آزادی تمام زندانیان می شوند. حکومت جوانان و زنان را سرکوب می کند، جوانان و زنان برای رهایی به میدان می آیند، حکومت با ادله مذهبی حق مردم بر تعیین سرنوشت خود را انکار می کند، جدایی حکومت از مذهب به خواستی عمومی تبدیل می شود. حکومت از قوانین موجود برای سرکوب مردم استفاده می کند، مردم خواستار تغییر قوانین می شوند.



## اخبار کوتاه

### بینا صمیمی زاده دستگیر شد

بینا صمیمی زاده مترجم و فعال دانشجویی چپ دستگیر شد. او در سال ۸۶ نیز نزدیک به ۵۰ روز در بند ۲۰۹ اوین به طور غیرقانونی حبس شده بود و به تازگی نیز حکم دو ترم تعلیقی از دانشگاه را دریافت کرده بود.

### محمد صیادی دستگیر شد

حمد صیادی از فعالین با سابقه چپ دانشگاه بو علی همدان و دبیر سیاسی سابق انجمن این دانشگاه در روز ۵ شنبه ۴ تیربازداشت شد. وی که در تابستان گذشته نیز مدتی را در بازداشتگاه اطلاعات به سر میبرده است، در زمستان گذشته با حکم ۶ سال و نیم زندان تعزیری مواجه گشت که پس از اعلان درخواست تجدیدنظر از سوی وکیلش آقای دکتر شریف، به ۲ سال و نیم حبس تعزیری کاهش یافت.

### کارگران جهان در همبستگی با مردم ایران

تظاهرات نمایندگان و اعضای چهار اتحادیه بین‌المللی صنفی در همبستگی با مردم ایران، از جمله کارگران ایرانی، روز جمعه آغاز شد.

این تظاهرات در پی فراخوان کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، فدراسیون آموزش بین‌الملل و فدراسیون بین‌المللی کارگران صنایع کشاورزی، غذایی و خدمات برای ۲۰ کشور برنامه‌ریزی شده بود.

### انتقال زخمی ها به زندان

دو شهروند معترض که در خشونت های اخیر زخمی شده بودند به زندان اوین منتقل شدند.

بنابر گزارشات دریافتی، کورش شهبازی و کریم باقرپور یزدی دو شهروند تهرانی که طی درگیریهای اخیر این شهر در هفته جاری زخمی شده بودند، روز گذشته از بیمارستان بقیع متعلق به سپاه پاسداران به زندان اوین منتقل شدند.

لازم به ذکر است به دلیل عدم اجازه تماس و ملاقات به این افراد از وضعیت جسمی حال حاضر آنان اطلاعی در دست نیست.

احضار بی‌سابقه‌ی فعالین دانشجویی دانشگاه تربیت معلم تهران به کمیته‌ی انضباطی بلاگ نیوز: کمیته ی انضباطی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تهران واحد حصارک کرج در هفته ی آخر سال تحصیلی بیش از ۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه را احضار کرده است. در میان احضارشدگان، اعضای انجمن اسلامی دانشجویان(تاسیس ۱۳۴۹) حضور دارند: آقایان حمزه جوانمرد، محمد قدس، محمد شریفی، امین شجاع، بهروز علوی، هادی بینش، مهران عباسی زاده،سینا حسینی و امجد صالحی. در همین راستا دیگر فعالین دانشجویی نیز احضار شده اند: امین آریا،صدرا بلوکی، احد رضاییان، مظاهر بابا مراد، دلاور نظریان، مجید قیادی، سبحان بازوند. همزمان با این احظارها دانشجویان دیگری به صورت گسترده به کمیته ی انضباطی فرا خوانده شده اند.

تا به حال از میان احظار شدگان آقای رضاییان به یک ترم منع از تحصیل بدون احتساب سنوات محکوم گشته است.

در همین رابطه محمد شریفی عضو انجمن اسلامی دانشجویان(تاسیس ۱۳۴۹) می گوید:دانشگاه قصد دارد در راستای سرکوب دانشجویان با صدور احکام سنگین که منجر به اتمام سنوات تحصیلی برخی از دانشجویان شده ،زمینه ی اخراج آنها را فراهم نماید .

وی می افزاید : احضار دانشجویان در آخر سال تحصیلی و فصل امتحانات با هدف جلوگیری از اعتراض دانشجویان در دانشگاه می باشد .

لازم به ذکر است طی مراجعه تعدادی از دانشجویان به کمیته ی مذکور علت احضار آنها شرکت در تجمعات اعتراضی در طول سال به خصوص اعتراض به تقلبات گسترده در انتخابات، تهیه و توزیع نشریات دانشجویی، درگیری فیزیکی با دانشجویان ارزشی دانشگاه که گفتنی است همه ی این درگیری ها با اهداف قبلی و کاملا کنترل شده توسط نیروهای ارزشی دانشگاه برنامه ریزی شده بود و بسیاری اتهامات واهی مانند برهم زدن نظم دانشگاه ،تشویش اذهان عمومی و . . . می باشد

### مردمداری دینی

خانواده های شهدا را تهدید کرده اند و به شرط گرفتن دست خطی مبنی بر اینکه شکایتی ازضربان ونیروی انتظامی نخواهند کرد پیکرعزیزانشان را تحویل میدهند.

از خانواده های شهدای درگیربهای ۱۰ روز گذشته مبالغی بین ۵میلیون تا ۱۴ میلیون می گیرند تا پیکر عزیزانشان را تحویل دهند.



# ما به خانه برگشتیم؟

انقلاب، هفت تیر، امیرآباد، بهارستان، ولیعصر، سلسبیل، ستارخان، بهارستان صدای تیراندازی، باتوم، چماق، یگان ویژه، یگان سپاه، گارد رهبری، گاز اشک آور، لباس شخصی، فریادهای روی بام پنجشنبه باز می شنویم همه جا آرام است به آریا شهر که می رسم بوی گاز اشک آور را حس می کنم. دیر رسیده ام. چندین اتومبیل یگان ویژه به صف ایستاده بود.

آرام ترین جای یک شهر انگار قبرستان آن است. عصر پنجشنبه بهشت زهرا درگیری می شود.

و باز چه می شنویم؟ همه جا آرام است. در شهر حکومت نظامی برقرار شده، خبرنگاران خارجی اخراج داخلی ها دستگیر، استاد و دانشجو در بند، خانواده مقتول آواره، حضرات پولهاشان را خارج می کنند، نوکیا-زیمنس لو می رود، شورای نگهبان وقت می خرد، شهر اما از پشت بام فریاد می کشد.

## تحصن و اعتراض در دانشگاه فردوسی مشهد

صدها تن از دانشجویان و اساتید دانشگاه دانشگاه فردوسی مشهد با برگزاری مراسم یادبود، یاد تمامی جانباختگان اخیر ایران را گرامی داشتند.

در این مراسم در ابتدا دانشجویان با سر دادن شعارهایی در صحن دانشگاه به کشتار مردم بی دفاع و خشونت های به کار گرفته شده توسط نیروهای نظامی و همچنین حملات وحشیانه نیروهای لباس شخصی به دانشجویان اعتراض کردند.

سپس دانشجویان با روشن کردن شمع هایی یاد شهدای اخیر ایران را به عنوان شهدای راه آزادی پاس داشتند.

لازم به ذکر است درحالی تجمع و تحصن فوق برگزار شد که دانشگاه فردوسی مشهد تحت شدید ترین فشارهای نیروهای امنیتی و گاردهای کودتا بوده است و در ده روز گذشته دانشگاه فردوسی مشهد و محدوده پیرامون آن شاهد درگیری های پراکنده میان دانشجویان از یکسوی و نیروهای سرکوب از سوی دیگر بوده است.

### حمله تظاهرات کنندگان خشمگین به سفارت دولت کودتایی در سوئد

عصر امروز چند صد تن از ایرانیان در لیدینگو محل سفارت جمهوری اسلامی ایرانی در استکهلم تجمع کردند و در حمایت از جنبش مردم ایران تظاهرات انجام دادند. این تظاهرات که در ساعت سه و نیم بعد از ظهر آغاز شد با خروج تعدادی از مأموران سفارت از درب سفارت و درگیری آنها با معترضین به خشونت کشیده شد. تظاهرات کنندگان پس از شکستن درب باغ سفارت ایران وارد محوطه سفارت شدند. در این هنگام مأمورین سفارت با کشیدن کلت و چاقو کشی که منجر به زخمی شدن یکی از تظاهرات کنندگان شد به مقابله با جمعیت پرداختند. جمعیت در پاسخ تمام شیشه های ساختمان اصلی سفارت را خرد کرد و تمام اتومبیل های متعلق به سفارت دولت کودتایی را تخریب کردند. با به صدا در آمدن آژیر خطر سفارت، نیروهای پلیس سوئد با هلکوپتر و دهها اتومبیل به محوطه ریخته و معترضین را از داخل سفارت خارج کردند. برخی از شعارهای تظاهرات کنندگان عبارت بود از «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» «سفارت ایران، مرکز ترور یا Iransk ambasaden, trocentralen»

در پی این اقدام دولت کودتا سفیر سوئد در ایران را احضار کرد.

لازم به ذکر است که در روزهای اخیر تقریبا در تمام پایتختهای جهان اعتراضات وسیعی در حمایت از مردم ایران و ابراز خشم نسبت به حکومت کشتار انجام می گیرد. این تظاهرات های اعتراضی بزرگترین موج اعتراضی در جهان را ایجاد کرده است. تقریبا تمام روزنامه ها و تلویزیون های معتبر جهان صحنه هایی از مبارزات شجاعانه مردم ایران را تصویر می کنند و کشتار و سرکوب روزهای اخیر از چشم هیچ ناظری در جهان پنهان نمانده است.



### دستگیری های کور و مبارزه با چشمان باز

حکومت نظامی اعلام نشده و اعلام غیر رسمی منع رفت و آمد شبانه در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ، نشان می دهد که کودتاپچیان نیز خود امیدی به کاهش اعتراضات مردمی ندارند و در محاق بی ثباتی و ناآرامی فرو رفته اند. روز جمعه احمد خاتمی ، در سخنرانی نماز جمعه تمامی پرده ها را کنار زده و با درخواست برخورد بی رحمانه ی قوه ی قضائیه با دستگیر شدگان، ماهیت واقعی عدالت اسلامی را نشان داد! از سوی دیگر صدا و سیما با داستان خنده داری مرگ ندا آقاسلطان را صحنه سازی رسانه های غرب خواند!! تمام این یاهو گویی ها نشان از استیصال و ناتوانی حکام ارتجاع سیاه در سرکوب قیام مردم است. اکنون که رژیم خود را ناتوان می یابد و امیدی به تثبیت موقعیت خود ندارد، برخی هنوز نمی خواهند خواست واقعی مردم برای تغییر رژیم را بشنوند و از جانب مردم، سخن می گویند: انقلاب پیشتر تجربه شده و مردم انقلاب نمی خواهند! اما از طرف دیگر همگان شاهد اند جنگ های خیابانی و مبارزات پی گیر مردم ، هیچ تطابقی با خواسته ها و مخالفت های اصلاح طلبان ندارد و این در حالی است که مردم برای یک جنبش انقلابی سازماندهی نشده اند. همین مسئله ی آنان را در رهبری قیام اعتراضی مردم و ارائه ی راهکارهای درست ناتوان ساخته است.

مغلطه ی این به اصطلاح روشنفکران و تحلیل گران سیاسی، در اینجاست که عمدا یا سهوا دلیل اعتراضات را با ماهیت آن اشتباه می گیرند. درست است که مردم ابتدا برای طرد دولت فاشیستی احمدی نژاد در انتخابات مشارکت کردند و بعد از تقلب آشکار در جهت حمایت از رای خود به خیابان ها ریختند، اما باید در نظر داشت که هیچ حرکت انقلابی نیز در طول تاریخ از ابتدا به قصد براندازی و سرنگونی طرح ریزی نمی شود بلکه مسیر حوادث منجر می شود که مردم در طی مبارزات راه حل انقلاب را جایگزین راه حل اصلاح کنند. این مسیری است که براستی مردم در جهت آن قدم برداشتند ( اگرچه در این مسیر هنوز سازمان نیافته اند ). دلیل گفته ی ما تنها گستردگی اعتراضات و جنگ های خیابانی یعنی ظاهر امر نیست بلکه این واقعیت است که گزینه ی انتخابات و در نتیجه اصلاح رژیم از پیش پای مردم برداشته شده است. آنان خود را در مقابل حکومتی مستبد و وحشی می بینند که تا دندان مسلح است و از ریختن خون هیچ کس در جلوی چشم جهانیان ابایی ندارند. عده ای از طرفداران انقلاب، چون اصلاح طلبان را بانی و حامی این اعتراضات می دانند، جنبش را ماهیتا اصلاح طلب می خوانند، اما کوتاه نظری آنان مانع از دیدن این واقعیت می گردد که با کودتا و ریشخند شدن مفهوم جمهوری توسط جمهوری اسلامی، مسیر اصلاحات نیز مسدود شده است.

برای ما کاملا مشهود است که این مبارزه ای با چشمان باز بود، مردم به وضوح می بینند که کشتار آنان یک اقدام نظامی سازمان یافته است و هر گلوله ی که شلیک می شود و هر خونی که ریخته می شود، جبهه ی مقاومت را مشخص تر می سازد. هم مردم متحدتر خواهند شد و هم رژیم در سپر و سلاح آهنین خود فرو خواهد رفت. وظیفه ی روشنفکران دراین مسیر معماری انقلاب نه تنها با ترویج عقاید سیاسی و احزاب خود که با ارائه ی راهکارهای مشخص برای مبارزه است. مشارکت استراتژیک در مبارزه ی مردمی مقدم بر سازماندهی توده ای هر حزبی است که گمان بر حقانیت خود دارد. از این رو ما راهکارهای زیر را برای مبارزه ی مستمر پیشنهاد می کنیم :

۱ ) نافرمانی مردمی و شرکت در اعتصاب عمومی گسترده، طبیعی است که نحوه ی این مقاومت به شرایط زیستی و کاری هر فرد بستگی دارد.

۲ ) حضور مردم در محلات در ساعات مشخص و در سطح گسترده در تمامی شهر همراه با شعار و دعوت دیگر مردم به شرکت در تظاهرات و اعتصاب و شکستن حکومت نظامی

۳ ) تشکیل اجتماعات مردمی در محلات برای جلوگیری از تهاجم بسیج و محافظت از جان و اموال مردم و نیز هماهنگی بیشتر برای ادامه ی مبارزه

ما معتقدیم که رژیم فاشیستی حاکم بر ایران توان شکستن صفوف به هم پیوسته ی جبهه مقاومت مردمی را نخواهد داشت. فاشیسم همواره با انتخابات به قدرت می رسد و هرگز با انتخابات به زیر کشیده نمی شود. این در مورد موسیلمنی و هیلتر صادق بود و تاریخ نشان داد که در مورد احمدی نژاد هم صادق است. اما تاریخ همچنین نشان داده که آنکه به انقلاب مردم خیانت کند با انقلاب مردم هم به زیر کشیده خواهد شد.

اش.





حمایت سندیکای شرکت واحد از اعتراضات مردم بیانیه سندیکای اتوبوسرانی در روزهای اخیر ما شاهد تلاش و حضور پرشور میلیونها زن، مرد، پیر و جوان، اقلیتهای ملی و مذهبی در ایران هستیم که از دولت میخواهند که پایه تری حقوق اولیه شان را به رسمیت بشناسد یعنی بر رسمیت شناختن حق انتخاب آزاد، مسقل و بدون تقلب. حقی که در اکثر جوامع دنیا نه تنها به رسمیت شناخته شده بلکه برای حفظ آن از هیچ کوششی فروگذاری نمیشود.

در بطن چنین اوضاعی ما شاهد تهدید، دستگیری، کشتن و سرکوب عریانی هستیم که بیم آن می‌رود تا بر ابعادش افزوده شود و خون انسانهای بیگناهی ریخته شود که نتیجه آن اعتراضات بیشتر مردم است نه عقب نشینشان.

جامعه ایران با یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی روبرو است، اعتراضات میلیونی که گاه با سکوتی که سرشار از ناگفتنی‌ها است خود را نمایان کرده و به یک الگو تبدیل شده است و هر روز بر دامنه و ابعادش افزوده می‌شود، که در این میان عکس العمل هر نهاد و فرد مستولی را میطلبد.

سندیکای کارگران شرکت واحد در اطلاعیه ای که قبل از انتخابات ریاست جمهوری در اردیبهشت ماه انتشار یافته بود نوشت که در نبود آزادی احزاب ، بالطبع تشکل ما نیز از نهادی اجتماعی که حامیش باشد محروم است ، حال آنکه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی دخالت گری و فعالیت سیاسی را حق مسلم تک تک افراد جامعه دانسته و برآن است که کارگران سراسر ایران در صورت ارائه منشور کارگری کاندیداهای ریاست جمهوری و دادن تضمین عملی به شعارهای انتخاباتی در این رابطه ، می توانند در انتخابات شرکت کنند یا نکنند.

این موضوع که خواسته‌های اکثریت قریب به اتفاق جامعه ایران بسیار فراتر از خواسته‌های صنفی میباشد برهمگان روشن است و ما هم در سالهای گذشته بر آن تأکید کردیم که تا اصل آزادی تشکل و انتخاب بوجود نیاید صحبت از هر نوع آزادی اجتماعی و حقوق صنفی بیشتر شبیه طنز میباشد تا واقعیت.

براساس این واقعیت سندیکای کارگران شرکت واحد خود را در کنار تمامی ایثارگرانی میدانند که برای ساختن نهاد مدنی آزاد و مستقل مبارزه میکنند و هر نوع سرکوب و تهدید را محکوم میکنند.

در راستای به رسمیت شناختن حقوق صنفی و اجتماعی در ایران نهادهای کارگری جهانی پنجم تیرماه روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و نهاد صنفی ایران اعلام شده است، ما از همه میخواهیم که این روز را فراتر از خواسته‌های صنفی بشمار بیاورند و این روز را تبدیل کنیم به روز حقوق بشر انسانی در ایران و از همقطاران خود بخواهیم در این روز در سراسر دنیا برای حقوق پایمال شده اکثر مردم ایران حرکت کنند.

با آرزوی گسترش عدالت و آزادی سندیکای کارگران شرکت واحد



## اعتصابات عمومی پاسخ به نیاز سمت یابی جدید اعتراضات!

سیمون هاردی  
ترجمه سیمین مسگری

نترسید نترسید ما همه با هم هستیم!(شعار مردم ایران در تظاهرات خیابانی)  
طی دو هفته گذشته هزاران نفر برای احقاق حقوق دموکراتیک خود رژیم ایران را به هموردی طلبیده اند. شجاعت جوانان در خیابان‌ها انعکاس گسترده‌ای در جهان داشته است. و همزمان سببیت پلیس و پاسداران توحش، بسیج، به همان اندازه باعث شوک و خشم همگان شده است.  
اکنون انتخابات هدف بزرگتری از به چالش کشیدن صحت انتخابات دارد. صرفنظر از اینکه ادعای تقلب صحیح است یا نه، تظاهرات کنندگان و حامیان آنها با رژیم دست به گریبان شده اند که با گماشتن گروهی البت، متشکل از پیرمردان مذهبی، سعی در نظارت تمام عیار و کنترل امور مهم کشور و روند تحولات را دارد و با ملت به مثابه کودکان نابالغ رفتار میکند. امری که همواره مانع از بوجود آمدن یک اپوزیسیون واقعی در کشور شده است.

حکومت ایران یک جمهوری نیست، حتی نه از نوع اسلامی آن. و این چیزی است که مخالفان بدان واقف و معترضند و مسأله دیگر این نیست که کدام جناح از حاکمان مذهبی ایران پیروز می شود.  
پس از دو هفته اعتراض و تظاهرات جنبش دموکراسی خواهی ایران بر سر یک دو راهی قرار گرفته است. اینکه کدام راه پیموده می شود تعیین کننده آینده ایران و خاورمیانه خواهد بود.  
یکی از آن راههای ممکن مسیر اصلاحی است. راهی که در آن همه اعتراضات و تظاهرات، به بازشماری آرا یا ابطال انتخابات و برگزاری انتخابات جدید ختم می شود. این راهی است که رهبران آن، بخشی از حاکمیت، حول محور رفسنجانی و موسوی است و به دلیل نداشتن یک استراتژی انقلابی برای بدست گرفتن قدرت، سرکوب و شکست آن توسط پلیس ، سپاه و بسیج حتمی است.

راه متصور دیگر راه انقلاب است و با مبارزه برای احقاق حقوق دموکراتیک آغاز می شود، ولی میتواند همزمان با در اولویت قرار دادن حقوق و نیازهای اجتماعی و اقتصادی اکثریت، به کار بسیج جمعیت رو به افزایش کارگران و کارمندان، برای مبارزه مستقیم علیه رژیم همت گمارد. کارگران می توانند دوباره نقشی را بازی کنند که در انقلاب ۱۹۷۹ بازی کردند و از طریق اعتصابات عمومی رژیم ایران را به زانو درآورند و سعی در همراه کردن سربازان رژیم با خود کنند. راه دشواری است ولی در عین حال راه مطمئن تری برای پیروزی مبارزات دموکراسی خواهانه است.

شکی در این نیست که نامزد شکست خورده انتخابات میر حسین موسوی که بهانه آغاز اعتراضات شد هرگز اتصال خود را از حاکمیت ایران قطع نخواهد کرد. کما اینکه همو بارها در برابر فشارها برای خاموش کردن تظاهرات عقب نشینی کرده است.

از این رهگذربرچسب **hardline** و **softline** که روزنامه نگاران غربی در مورد دو جناح درون حاکمیت در ایران به کار می برند به معنی بد و بدتر است.  
خاتمی و موسوی که با وجود مانورهای مختلف خود در جابجایی و تعادل وزنه قدرت به نفع خود شکست خوردند، اکنون سعی در استفاده از فشار جمعی را برای نیل به این هدف خود دارند. اما آنها به محض اینکه احساس کنند کنترل خود را بر روی جنبش از دست داده اند، قطعاً راه خیانت به جنبش را در پیش خواهند گرفت. اتفاقی که در سال ۱۹۹۹ افتاد. زمانی که خاتمی دانشجویان را با باتوم و گلوله و سلولهای زندان به حال خود رها کرد. به همین روی اصلاح طلبان ارزش رهبری و اعتماد این جنبش عظیم را ندارند و در واقع می توان آنها را آفتی نیز برای این جنبش دانست.

مسأله ای که پس از دو هفته بر همگان آشکار شده این است که، باندی که حول رهبر ایران آیت الله علی خامنه ای و رییس جمهور احمدی نژاد در حاکمیت ایران وجود دارد، به هیچ عنوان حتی به بهای جنگ و درگیری داخلی حاضر به واگذاری قدرت و منسب خود نیست. خامنه ای اکنون آینده خود را به آینده احمدی نژاد گره زده است و اینان حاضرند هر کوششی برای سرنگونی رژیم را در خون غرق کنند. این حقیقتی است که مارکس و انگلس نیز بدان اشاره کرده اند که گروه‌های سازمان یافته مسلح آخرین حربه دولتها در شرایطی است که بحران انقلابی در کشوری به اوج خود می رسد.

ولی هم اکنون نیز نشانه های زیادی از وجود یک پتانسیل قوی اجتماعی، خیلی قویتر از پلیس امنیتی و شیطانهای فاشیست بسیج در جامعه دیده می شود. کارمندان بیمارستانها وقتی با خیل عظیم مجروحین و کشته شده گان اعتراضات مواجه شدند، دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. کارمندان مبارز شرکت اتوبوس رانی ایران که نماینده شان بارها و بارها زندانی شده از طریق اتحادیه خود بیانیه صادر کردند و خود را در کنار تمام ایثارگرانی دانستند که برای ساختن نهاد مدنی آزاد و مستقل مبارزه می کنند و هر نوع سرکوب و تهدید را سرکوب کردند و ضمن پافشاری بر خواسته های صنفی خود تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری را حق مسلم خود دانستند. کارگران ایران خودرو نیز در هر شیفت کاری خود به مدت نیم ساعت در اعتراض به حملات وحشیانه به آزادی خواهان دست به اعتصاب زدند و حملات وحشیانه به مردم را محکوم کردند. حزب کمونیست کارگری ایران نیز با انتشار بیانیه ای ۶ بندی بر احقاق پایه ای ترین حقوق دموکراتیک مردم تأکید کرد. حزب توده نیز که در انقلاب ۱۹۷۹ شکست فاجعه باری را متحمل شد با انتشار بیانیه ای رهبر ایران و قدرت کودتایی تحت امر او را محکوم به شکست دانست.

تظاهرات خیابانی در مقابل قدرت گارد انقلاب در معرض بی جان شدن قرار دارد. حفظ و ادامه این اعتراضات پس از این سخت تر خواهد شد اگر کارگران و کارمندان با تمام وزن اجتماعی خود بسیج نشوند و پیش روی مطالبات دموکراتیک قرار نگیرند. این کار از طریق اعلام یک اعتصاب عمومی امکان پذیر است که به نوبت خود میتواند به نارضایتی عمومی دامن زند.

البته این امر قطعاً سرکوب شدید از سوی بسیج و گارد انقلاب را، برای درهم شکستن اعتصابات، در پی خواهد داشت و اینجاست که ضرورت مسلح شدن کارگران و کارمندان برای دفاع در برابر هر نوع حمله احتمالی احساس می شود.

مبارزات خیابانی که در حال حاضر وجود دارد بسیار جوش و در گروهها و شبکه های بسیار کوچک و متشکل از فعالان شجاع است که با روشهای دهن یه دهن و پیامهای اس ام اس خود را سازماندهی و متشکل میکنند. این فعالان می بایست از طریق سازماندهی خود و سپس اعلام شعارها و برنامه عمل مشخص، به تلفیق خواسته‌های جمعی دموکراتیک، با خواسته‌ها و شعارهایی که طبقه کارگر را نیز وارد میدان مبارزه می کند، همت گمارد. برنامه ای که هدف انقلاب کارگران را در بطن خود می پروراند.

در میدان نبرد کنونی نیاز به تشکیل یک حزب انقلابی، که قادر به رویارویی در مقابل سرکوب است، بیش از پیش احساس می شود. اهداف اساسی چنین حزبی باید در بر گیرنده موارد زیر باشد:  
\_ تشکیل گروهها و شوراهای از طریق دانشجویان و کارگران، در دانشگاهها و کارخانه ها و مناطق فقیر نشین شهری و روستایی برای سامان بخشیدن به مبارزات خود.

\_ سازماندهی اعتصابات عمومی در سراسر کشور در حین تلاش برای مسلح نمودن جوانان و کارگران برای دفاع از خود و اعتصابات و سعی در ایجاد ارتباط و متقاعد کردن سربازان رژیم بر اینکه مبارزه برای آزادی و زندگی با ارزش، مبارزه برای حقوق آنان نیز هست.

\_ سرنگونی رهبر و ریس جمهور  
\_گردهمایی برای منحل کردن اساس اسلامی رژیم، دادن حق تشکیل اتحادیه ها به کارگران، رها کردن زنان از حجاب اجباری، تساوی حقوق بین زن و مرد و بخشیدن زمین به کشاورزان بی بضاعت.  
\_قا ئل بودن حق تصمیم گیری مستقل ، برای اقوام تحت ستم ایرانی اعم از کرد و آذری و عرب و ...  
\_تلاش برا ی بهتر کردن وضعیت معیشت در نقاط پایین شهر، ایجاد اشتغال برای بیکاران از طریق مالیات گرفتن از طبقات بالای جامعه و...ایجاد حداقل رفاه عمومی از طریق پرداخت حقوق مکفی به افراد و بالا بردن حقوق بازنشستگی.  
\_ و تلاش برای ایجاد دولت کارگری در ایران.

Simon Hardy  
<http://www.fifthinternational.org>



**شرم ما ، ننگ ما ،  
صد او سیما ما**  
**Our shame, Our Infamy,  
Our National TV**

### ندا چگونه به قتل رسید؟

دکتر آرش حجازی، فردی که در آخرین لحظات زندگی ندا آقا سلطان کوشید جان ندا را نجات دهد، در مصاحبه ای با بی بی سی مشاهدات خود را این حادثه بیان کرد. او که مترجم، مدیر انتشارات کاروان و از چهره های عرصه فرهنگی ایران است، ایران را به خاطر بازگویی حقیقت ترک کرد و در مصاحبه ای با کانال بین المللی بی بی سی اتفاقات آن لحظه را شرح داده است. حجازی می گوید روز حادثه، یعنی شنبه ۳۰ خرداد، همراه با برخی همکارانش برای مشاهده وقایع اطراف، از دفترش واقع در خیابان صالحی به خیابان کارگر شمالی (امیرآباد) رفته و از آنجا با یورش پلیس همراه با مردم به خیابانهای فرعی گریخته است. در یک متری ندا بوده که صدای تیر شنیده است و اندکی بعد، ندا توجهش را جلب کرده که در حالت شوک، به سینه خود می نگر بسته است. لحظاتی بعد، ندا تعادل خود را از دست داده و به زمین افتاده است. سپس دکتر حجازی به اتفاق همراه ندا که بعداً معلوم شد استاد موسیقی ندا بود، کوشیدند ندا را نجات دهند، ثانیه هایی که با انتشار فیلم آن در سراسر جهان، در تاریخ ثبت شد. ندا ظرف کمتر از یک دقیقه پس از تیراندازی می میرد. به تشخیص دکتر حجازی که پزشک است، گلوله به آنورت و ریه ندا اصابت کرده بود و خونریزی به مرگ او انجامید. او می گوید تیر از جلو به ندا اصابت کرد و از پشت هم خارج نشده بود.

«صدای تیری شنیدیم. ندا به فاصله ی یک متری من بود. من برگشتم و دیدم خون از سینه ندا جاری شده است.

معلوم بود ندا شوکه شده است. تنها به سینه خود نگاه می کرد. کنترل خود را از دست داده بود. به طرف اش دویدم و روی زمین قرارش دادیم. محل گلوله را زیر گردن ندا دیدم.

تا آن زمان چنین تصویری ندیده بودم! به نظر می آمد گلوله در بدن اش منفجر شده بود. خون از دهان و بینی او بیرون می آمد.

سعی کردم با فشار دادن محل گلوله جلوی خونریزی را بگیرم ولی موفق نشدم.»  
پس از بی ثمر ماندن تلاشهای اطرافیان ندا برای نجات جان او، اتومبیلی از راه می رسد و ندا را با آن به بیمارستان می برند.

دکتر حجازی اندکی بعد می شنود که مردم فریاد می زنند قاتل را دستگیر کرده اند. آرش حجازی به جایی که فریادها از آنجا به گوش می رسیده می رود و می بیند که مردم یک بسیجی را خلع سلاح کرده اند. فرد دستگیر شده چند بار گفته است که قصد کشتن ندا را نداشته است. دکتر حجازی تأکید می کند بسیجی دستگیرشده تیراندازی به سوی ندا را انکار نکرد اما پیوسته می گفته است به نیت قتل شلیک نکرده است.

پس از دقایقی، مردم چاره ای جز رها کردن بسیجی دستگیرشده نمی بینند اما کارت شناسایی بسیج را از او می گیرند.

آرش حجازی می گوید انگیزه آمدن او به خارج از کشور، بیان این واقعیات است.

«آن ها (رژیم) مرا تقبیح خواهند کرد. خیلی چیزها به من نسبت خواهند داد. من هیچ گاه سیاسی نبودم. من با این گفته ها آینده خود را به خطر می اندازم ولی به خاطر معصومیتی که در چشمان ندا دیدم... باید این کار را انجام می دادم.»

لازم به ذکر است که بی بی سی فارسی شهادت حجازی در مورد دست داشتن یک بسیجی در قتل ندا را سانسور کرد. شما فکر می کنید چرا؟





**پاریس،پراگ و همه جای جهان در همبستگی با مردم ایران**

#### خواهش می‌کنیم هر چه را می‌بینید، باور کنید!

فرانکفورتر آلگماینه، برگردان از الابه بقراط

ایرانی تظاهرات آن ها دو طرف ندارد. این اعتراضات به طرفداری از موسوی و علیه احمدی‌نژاد نیست. آن ها برای یک جامعه آزاد و بدون مقررات و فشارهای مذهبی مبارزه می‌کنند. هدف آن ها در هم شکسته شدن این نظام است.

آن ها امیدی به کسی از درون این نظام ندارند و شروع کرده‌اند خودشان از خود دفاع کنند. حالا دیگر همه چیز به حرکت در آمده است و هیچ کس را راه بازگشت نیست این هم تصویر دیگری از رویدادها و اعتراضات مردم ایران در آیینه رسانه‌های غرب از جمله آلمان. تصویری که در روزهای اخیر به همان اندازه که شفاف می‌شود، گسترش می‌یابد. تصویری که اوباما رییس جمهوری آمریکا را به موضع‌گیری قاطعانه‌تر و بسیاری از دولت‌های غربی از جمله آلمان را به بیاناتی روشن‌تر مجبور ساخت. گزارشی که می‌خوانید توسط یکی از خبرنگاران روزنامه معتبر «فرانکفورتر آلگماینه» روزنامه‌ای که در تمام سال‌های گذشته از جمله تا همین چند روز پیش از ادامه «اصلاحات» دفاع می‌کرد، تهیه شده است.

در نخستین روز تظاهرات پس از اعلام نتایج انتخابات، بصیم توانست از دست پلیس فرار کند. او خیلی ساده وقتی اونیفورم نیروهای انتظامی را دید، در رفت. باتوم پلیس به او نیز اصابت کرد. بعدش اما خیلی ترسید. جسمش اعتصاب کرد و در خانه ماند. بصیم در خیابانی زندگی می‌کند که در روزهای اخیر بیش از همه شاهد اعتراضات بوده است: در نزدیکی میدان آزادی و نه چندان دور از دانشگاه. بصیم بیست و پنج ساله است. خیابان او در روزهای گذشته شاهد کشته‌شدن افراد بسیاری بوده است. بصیم مذهبی نیست و آرزوی یک ایران آزاد را دارد.

وجدان بصیم از اینکه دوستانش را تنها گذاشته، خیلی ناراحت است و او را رنج می‌دهد. وی پس از فرارش از خیابان به من می‌گوید: «خیلی می‌ترسم که به من شلیک کنند» حال آنکه در آخرین مکالمه تلفنی‌اش به دروغ گفته بود در تهران نیست و به شهرستان رفته و نمی‌تواند بگوید در پایتخت چه می‌گذرد. این مکالمه البته مربوط به هفته پیش است.

بعد از آن ارتباط ما قطع شد. بصیم از مأموران امنیتی به شدت می‌ترسید. دختری از دوستان او که تلاش می‌کرد از آلمان با او تماس بگیرد و یک بار موفق شد با او حرف بزند، تعریف می‌کرد: «بصیم دوباره شهامت‌اش را به دست آورده بود. من هرابر می‌گفتم بهتر است در خانه بماند، ولی او بیرون می‌رفت. می‌گفت ما قویتر از آنها هستیم». حالا بصیم برای حقوق اولیه‌اش در خیابان‌های تهران مبارزه می‌کند. ولی دیگر به تلفن جواب نمی‌دهد.

ما باید بیرون برویم و مبارزه کنیم

این تنها یک نمونه بود. تماس تلفنی از آلمان با تهران بیش از پیش مشکل می‌شود. اول فعالیت‌های اینترنتی محدود شدند. حالا حتی ای‌میل‌های حامل پیام نیز کم و کمتر می‌شوند. هر نوع گفتگویی در محدوده ممنوع قرار می‌گیرد چرا که تقریبا همه چیز را کنترل می‌کنند.

یک دختر دانشجو هم درست مثل بصیم از خود شجاعت نشان می‌دهد. او پیش از آنکه خشونت در خیابان‌ها شدت بگیرد، لباس پسرانه می‌پوشید. حالا هم با همان شکل و شمایل پسرانه به خیابان می‌زند تا بتواند آزادانه رفت و آمد کند. او در یک ای‌میل رمز نوشت: «حالم خوب است. دیروز بسیجی‌ها خیلی آدم کشتند. یک زن بر اثر شلیک گلوله کشته شد. خیابان‌ها خیلی نا امن هستند. تلویزیون ایران سانسور می‌شود. هر شب بسیجی‌ها با پرچم حزب‌الله به خیابان می‌آیند. من در سه تظاهرات شرکت کردم و شانس آوردم که هیچ اتفاقی برایم نیفتاد. ما باید بیرون برویم و مبارزه کنیم».

از ارسال این ای‌میل چند روزی می‌گذرد. از آن وقت دیگر خبری از او نیست. حتی از خواهش‌هایش برای باری به مردم ایران.

مردم را می‌زنند و در صندوق عقب اتومبیل می‌اندازند سرعت اینترنت در ایران آهسته است. با این همه ای‌میل تنها امکان برقراری ارتباط است. شگفت‌آور است که نمی‌توان مانع انتشار فیلم‌های ویدئو در یوتیوب شد. این فیلم‌ها هر روز بیش از پیش اهمیت می‌یابند. آنها روزانه نبردهای خیابانی و کشتار توسط بسیجی‌ها را مستند می‌سازند. دوستی با عجله می‌نویسد: «خواهش می‌کنم هر آنچه را در یوتیوب می‌بینید باور کنید! ما همیشه یک امکانی پیدا می‌کنیم که این فیلم‌ها را بفرستیم، اگرچه بدون تفسیر است ولی از طریق کامپیوتر شرکت‌هایی که در آنها کار می‌کنیم، به دلیل سرعتی که دارند، می‌توانیم این فیلم‌ها را بفرستیم. در اعتبار این فیلم‌ها تردیدی نیست تنها پرسشی که می‌تواند مطرح باشد این است که چقدر آدم کشته شدند؟ فقط نه نفر و یا خیلی خیلی بیشتر!؟»

پروین که در تهران زندگی می‌کند، هر چند دقیقه یک



و سنگفرش های خیابان هنوز در وحشت و بغض زجر آوری

برایشان بی صدا گریه میکنند.

به همه ی آنان !

# (( ندا ، خون ، خیابان ))

و بر چهار راه های

تمام خیابان های جهان

حک شده

تصویر بزرگی از چشمانت

و خون می باشد

از گلوی تصویر

و در

رگ های خیابان

تزییق

و رعشه گرفته اند

تمام تابلو ها

بر تمام چهار راه های جهان

ندا ! آآخ !

ندا !

ندا !

قلب تو اکنون

چندین تصویر تمام قد را

هل میدهد ؟

و خون پاشیده در رگ های خیابان ها

کارگر شمالی

کارگر جنوبی

و دوده

از حجم انقلاب

پاک می شود

و این همه

تصویر تمام قد

به و سعت میدان آزادی

خواهند رسید

ندا ! ندا !

آی ! آی !

آی ! ندا !

ما شبیه تو ایم

یا تو شبیه

به این همه تمام قد ؟

چگونه است که یک قلب

می تپد

در این همه

که دویده اند

در رگ های خیابان

و انقلاب را

وصل

به میدان وسیع آزادی

ندا ! آآخ

ندانان ...

علیرضا عسگری

چهار تیرماه هشتاد و هشت

دوازده روز پس از «انتخابات ریاست جمهوری ایران»

منبع: وبلاگ گرگ و میش

### پیام همبستگی کارگران ایران با اقدام جهانی اتحادیه‌های کارگری (۲۶ ژوئن)

چهار اتحادیه بزرگ بین المللی (ITUC - IUF - EI

- IUF - EI ) روز ۲۶ ژوئن - پنجم تیرماه

را به عنوان روز حمایت جهانی از حقوق پایه‌یی کارگران در ایران و مبارزات آنان اعلام کرده‌اند و قرار است در این روز اعضای این اتحادیه‌ها در سراسر جهان اقدام به حمایت عملی از مبارزات کارگران در ایران بنمایند .

این همبستگی جهانی با کارگران در ایران یک اقدام تاریخی و بزرگ در مبارزه طبقه کارگر جهانی برای دستیابی به حقوق انسانی کارگران در ایران و سراسر جهان است و بی‌تردید نقش تاریخی در پیشبرد مبارزات کارگران ایران ایفا خواهد کرد و از سوی دیگر اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر را عمق و دامنه بیش‌تری خواهد بخشید .

ما امضاء کنندگان این بیانیه خود را دوشادوش و همراه این حرکت متحدانه جهانی می‌دانیم و از این طریق ضمن قدردانی عمیق از سازماندهی چنین اقدامی از سوی IUF - ITF - ITUC EI - دست سازماندندگان این حرکت متحدانه جهانی را به گرمی می‌فشاریم و درودهای گرم و بی‌پایان خود را نثار تمامی کارگران جهان و یکایک اعضای این اتحادیه‌ها می‌کنیم .

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

چهارم تیرماه ۱۳۸۸

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

تهران و حومه

- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

- کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری

- اتحادیه آزاد کارگران ایران

- انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه

- جمعی از کارگران نساجی خامنه

- کارگران کارخانه پریس سنندج

- کارگران کارخانه بافندگی شین بافت سنندج

- کارگران کارخانجات شاهو

- کارگران نساجی کردستان

-کارگران فرش غرب بافت

- کارگران آجر شیل

- کارگران شیرپاک آرا

- کارگران گونی بافی سما

- کارگران آرد فجر

- کارگران نیرو رخش

- کارگران بخش خدماتی بیمارستان توحید

سنندج

-جمعی از بازنشستگان شهرستان سنندج

-کارگران شرکت فرش غرب کرمانشاه

-جمعی از کارگران کارخانه صنایع فلزی شماره

۲

- جمعی از کارگران لاستیک البرز

- جمعی از کارگران شهرستان مریوان

- جمعی از کارگران وفعالین شهر کامیاران

- جمعی از کارگران و فعالین شهر مشهد

- کارگران شرکت کارگلاس تهران

- کارگران براق آلات قم

به زندان بیندازد. من امیدوارم مردم کشورهای دیگر هم علیه این حکومت جتار به خیابان بروند. راستی، در آلمان مردم چه می‌گویند؟»

برای این دختر جوان و دوستانش تظاهرات در ایران دو طرف ندارد. این اعتراضات به طرفداری از موسوی و علیه احمدی‌نژاد نیست. او برای یک جامعه آزاد و بدون مقررات و فشارهای مذهبی مبارزه می‌کند. هدف او در هم شکسته شدن این نظام است. او در آخرین ای‌میل خود به من نوشت: «موسوی رهبر ما نیست. او تنها یک فرصت است و اولین کسی است که [از خود نظام] در برابر نظام ایستاده است. ما امیدی به این نظام نداریم و شروع کرده‌ایم خودمان از خود دفاع کنیم. حالا دیگر همه چیز به حرکت در آمده است و هیچ کس را راه بازگشت نیست».

(منبع: سایت گویانبوز)

نظر جسمی و هم از نظر روحی. او هر روز بیست ساعت به تظاهرات می‌رود و چیزهایی دیده که هنوز نمی‌تواند باور کند که واقعا اتفاق افتاده‌اند». ولی آخر او این همه فیلم را چگونه در فیس بوک قرار می‌دهد؟ یکی از دوستانش، دختری که در آلمان زندگی می‌کند، همه این اطلاعات را در سایت او قرار می‌دهد تا ایرانیان را در جریان آنچه در کشورشان می‌گذرد قرار دهد.

دوست دیگری از تهران می‌نویسد: «اینجا اوضاع خیلی خراب است. بیشتر اتفاقات در خیابان آزادی می‌افتد که در واقع خیابان دانشگاه است. خیلی از دوستانم کتک خورده‌اند. اما این اعتراضات عین خیال دولت نیست و با چماق و بدون آنکه به کسی رحم کند به جان مردم افتاده و آنها را حتی می‌کشد. من خیلی مأیوس و افسرده‌ام. هیچ کس نمی‌داند واقعا چه کار می‌توان کرد». با این همه او نیز که یک دختر جوان است برای تظاهرات به خیابان می‌رود و می‌گوید: «من خودم تا حالا در دو تظاهرات شرکت کردم که شرکت‌کنندگان کاملا سکوت کرده و راه می‌رفتند. همین موقع دولت به دنبال این بود که آدم‌هایی را که در تظاهرات شرکت داشتند، شناسایی کرده و دستگیر کند و

فیلم وحشتناک تازه برای فیس بوک می‌فرستند. منابع او یوتیوب، سی ان ان و بی بی سی فارسی هستند. او در اولین تظاهرات دستگیر شده بود و چند روز بعد اما آزادش کردند. در یکی از صفحات وی در فیس بوک می‌توان دید که چگونه مرد جوانی را به شدت کتک می‌زنند و بعد او را در صندوق عقب یک اتومبیل می‌اندازند. پلیس‌ها در صندوق عقب را به روی مرد خونین و مالین می‌بندند و به راه می‌افتند. ولی خود پروین این ویدئو را تهیه نکرده است. او فقط این فیلم را که بارها کپی شده است در اینترنت پخش می‌کند.

موسوی رهبر ما نیست

در حالی که فیلم‌های صفحه پروین هر روز بیشتر می‌شوند ولی او نه به ای‌میل‌ها جواب می‌دهد و نه زنگ می‌زند. به هیچ تماسی واکنش نشان نمی‌دهد. یک هفته پیش از طریق برادرش که در آمریکا زندگی می‌کند به من چنین خبر رسید: «خواهرم از من خواهش کرد که تو بگویم که استفاده از اینترنت خیلی مشکل شده. حالش خوب است. از یک هفته پیش خواب ندارد. ولی قویست، هم از